ابهام در تحویل جسد منصوری به خانواده‌اش

سازمان پزشکی قانونی در حالی از تحویل جسد قاضی منصوری به خانواده‌اش خبر داد که برادر قاضی فراری مدعی است هنوز جسد را تحویل نگرفته‌اند.

به گزارش تسنیم، عباس مسجدی، رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور دیروز گفت: از حدود ده روز پیش که جسد قاضی منصوری منتقل شد، بررسی‌های اولیه و معاینه جسد انجام شده است. برای این که در حوزه سم‌شناسی و پاتولوژی فرآیندهای آزمایشگاهی برای آماده‌سازی لام‌های تشخیصی طولانی است، امیدواریم بتوانیم طی یکی دو هفته آینده پاسخ را به مراجع قضایی اعلام کنیم. تا زمانی که نتایج آزمایش‌ها آماده نشود، زمان مرگ او به درستی مشخص نمی‌شود. این در حالی است که برادر غلامرضا منصوری درباره اظهارات رئیس سازمان پزشکی قانونی گفت: ما جسد را دوبار رؤیت کرده، اما هنوز هویت او را احراز نکرده‌ایم و همچنان منتظر نتیجه آزمایش هستیم. پیکر برادرم هنوز به ما تحویل داده نشده و ما هنوز به پزشکی قانونی مراجعه نکرده‌ایم و از سوی پزشکی قانونی نیز هیچ نتیجه‌ای به ما اطلاع داده نشده است.

دزدان در صحنه سرقت نخست خود در ملارد

سارقان مسلح در صحنه دومین سرقت خود به سوی افرادی که فیلمبرداری می‌کردند شلیک کردند

دزدان مسلح حدود ۱۳ کیلو طلا از ۲ طلافروشی سرقت کردند

سایه باند وحشت بر سر طلافروشی‌ها

معصومه ملکی
حوادث

فقط دو دقیقه کافی است تا طلافروش را به خاک سیاه بنشانند و خودشان میلیاردر شوند. ایجاد وحشت شگردشان است و به راحتی انگشت روی ماشه می‌برند. در کمتر از یک ماه به دو طلافروشی در غرب استان تهران مسلحانه دستبرد زده‌اند و در حالی که پلیس هنوز در تعقیب‌شان است هر روز احتمال دارد سومین سرقت خود را انجام دهند. این دزدان در جریان دستبرد به ۲ طلافروشی حدود ۱۳ کیلو طلا سرقت کردند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، اعضای باند وحشت نخستین سرقت خود را ظهر بیست و چهارم خرداد امسال در خیابان امام خمینی سرآسیاب ملارد انجام دادند. صدای شلیک گلوله، سکوت ظهر خیابان را شکست و اهالی وحشت‌زده از خانه و مغازه‌های خود بیرون آمدند. چهار مرد مسلح در حالی که کیسه‌ای در دست داشتند از مغازه بیرون آمده و با خودروی پژو ۴۰۵ فرار کردند.

هنوز می‌ترسیم

مرد کفاش که یکی از شاهدان سرقت از طلافروشی است به جام‌جم گفت: هنوز می‌ترسم از کوچه عبور کنم و به مغازه بروم. صدای تیراندازی‌های بی‌امان سارقان در گوشم است. چند شب اول خواب صحنه سرقت را می‌دیدم. آن روز دم ظهر مغازه را بستم، روی سکوی جلوی مغازه همسایه نشستم و منتظر یکی از اقوام بودم. خودروی پژو ۴۰۵ نوک مدادی به سرعت از مقابلم عبور کرد و سر کوچه متوقف شد. یکی از سرنشینان لباس محلی به تن داشت و قطار فشنگ روی آن بسته بود. سر و صورتش را با پارچه پوشانده و اسلحه‌ای در دست داشت. او همراه دو مرد مسلح دیگر از خودرو پیاده شدند و یکی از همدستان‌شان نیز در نزدیکی خودرو بیرون مغازه ماند.

به این بخش از جمله‌هایش که رسید کمی با دلهره حرف زد و ادامه داد: دزدی که بیرون مغازه بود، تیراندازی هوایی می‌کرد و سه همدستش هم داخل مغازه شلیک می‌کردند.

مردم جمع‌شده و سطل زباله را سمتش انداختند تا خلع سلاح شود که نشد. او همچنان تیراندازی می‌کرد، همان موقع زوج همسایه از پشت‌بام به سمتش آجر پرت کردند. دزدان، طلاها را در گونی نارنجی رنگ ریختند و با تیراندازی هوایی و متفرق‌کردن مردم سوار خودرو شده و فرار کردند. مردم و اهالی هنوز وحشت دارند، با دلهره سر کار می‌آیند و با ترس به خانه‌هایشان باز می‌گردند. می‌ترسند دوباره سارقان بیایند و به مغازه آنها دستبرد بزنند.

۱۵ تیر، سمت‌مان شلیک کرد

مرد خیاط و همسرش که روز سرقت قصد داشتند با پرت‌کردن آجر دزدان را ناکام بگذارند، در ادامه تشریح ماجرا گفتند: وقتی در مغازه صدای تیراندازی شنیدم از پشت پنجره سارقان را دیدم که تیراندازی هوایی می‌کردند.

صدای کمک‌خواهی صاحب طلافروشی را شنیدم و همراه همسرم به پشت‌بام رفته و به سمت دزدان آجر پرت کردیم که خودرویشان تخریب شد. یکی از سارقان ما را دید و ۱۵ تیر سمت‌مان شلیک کرد، پنهان شده و جان سالم به در بردیم.

وی افزود: آنها طلاها را با جعبه‌هایش در گونی ریخته و بعد از تیراندازی هوایی فرار کردند. سه روز اول اکثر مغازه‌ها و صنف طلا تعطیل بود و اکنون فقط ساعاتی فعالیت دارند که خیابان شلوغ باشد. به خاطر این‌که دزدها دستگیر نشده‌اند همه می‌ترسند دوباره دزدان بیایند و به مغازه آنها دستبرد بزنند.

صاحب طلافروشی مرد میانسالی است که ۳۰ سال طلافروش بوده و با پسرش که تازه عقدکرده زینت‌سرا را اداره می‌کرد. با این دزدی دیگر طلایی نمانده که مغازه را اداره کند و آنجا را تعطیل کرده است.

مرد طلافروش می‌گوید: آن روز، کاری برایم پیش آمد که با طولانی‌شدن زمان آن به جای مغازه به خانه رفتم. یکی از همسایه‌ها ماجرای دزدی را خبرداد و سریع به مغازه آمدم. رنگ پسرم پریده بود، مردم به خیابان آمده و ماموران داشتند فیلم دوربین‌ها را نگاه می‌کردند که متوجه شدم سرقت دو دقیقه‌ای رخ داده است.

دزدان بعد از ورود به مغازه و تهدید پسرم، حدود ۱۲ کیلو و ۵۰۰ گرم طلا از مغازه دزدیدند. بعد از این دزدی، مغازه تعطیل شد. این دومین بار است که مغازه‌مان هدف سرقت قرار می‌گیرد. سه سال پیش هم دختر دانشجویی با کلت قلابی به مغازه‌مان آمد تا سرقت کند که نتوانست و تحویل پلیس شد.

دومین سرقت به یک شیوه

در حالی که تحقیقات برای دستگیری دزدان آغاز شده بود، آنها ۲۴ روز بعد به طلافروشی دیگری در خیابان مدرس سلطان‌آباد در شهرستان بهارستان دستبرد زدند.

دزدان مسلح ساعت ۱۳ و ۴ دقیقه ۱۷ تیرماه در حالی که چهره‌هایشان را پوشانده بودند، در مقابل چشمان وحشت‌زده مردم وارد یکی از طلافروشی‌های محل شدند. دو نفرشان بیرون مغازه ایستادند و دو نفر دیگر وارد طلافروشی شده و با تهدید صاحب طلافروشی سلاح را سمتش گرفتند و او را به مرگ تهدید کردند. سارقان مسلح طلاهایی را که داخل مغازه بود، دزدیده و متواری شدند.

آنها درصدد بودند به همدستان دیگر خود در خیابان ملحق شوند که اهالی به سمتشان سنگ پرت کرده و از صحنه فرارشان فیلمبرداری کردند. دزدان مسلح با مشاهده این صحنه اسلحه خود را به سمت مردم گرفته و شروع به تیراندازی کردند. دزدان در این سرقت هم در کمتر از دو دقیقه با برداشتن سه کیلو طلا از مغازه طلافروشی فرار کردند.

بررسی نحوه سرقت و تیراندازی متهمان مشخص کرد، آنها دزدان مسلح طلافروشی ملارد هستند که با همان خودروی پژو ۴۰۵ به این منطقه آمده و سرقت را انجام داده‌اند. اعضای باند وحشت که چهار نفر هستند، با شناسایی طلافروشی‌هایی که در محل‌های کم تردد هستند، هنگام ظهر به آنجا دستبرد می‌زنند.

مرگ مشکوک تاجر ایرانی در لندن

مرد تاجر بعد از آخرین سفرش به تهران و زمانی که به انگلستان بازگشت، به طور مشکوکی فوت شد. پلیس جنایی پایتخت در حال رازگشایی از مرگ اوست.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، تاجر ۶۵ ساله ایرانی چند ماه پیش بعد از دیدن خانواده‌اش در تهران به لندن بازگشت که به طور مشکوکی فوت شد و اموال خانه‌اش در لندن به سرقت رفت. با هماهنگی قضایی جسد او به تهران منتقل شد. چند روز پیش خانواده‌اش با حضور نزد محمدجواد شفیعی بازپرس شعبه پنجم بازپرسی دادسرای جنایی تهران، شکایتی مطرح کردند و خواستار بررسی مرگ مشکوک او شدند.

فرزند مرد تاجر به بازپرس جنایی گفت: پدرم تاجر بود و برای کار به کشورهای اروپایی و به‌ویژه انگلستان سفر می‌کرد. او اقامت انگلستان را داشت و خانه‌ای در لندن گرفته بود. پدرم آخرین بار که به تهران آمد، چند هفته‌ای ماند و هنگام برگشت به لندن می‌گفت یورو همراه دارد و می‌خواهد معامله جدید انجام دهد. بعد از آن چند روز متوالی به او زنگ زدم که جواب نمی‌داد. دوست ایرانی ما که همسایه پدرم بود، به مقابل خانه پدرم در لندن رفت اما او را پیدا نکرد و با پلیس و آتش‌نشانی وارد خانه شدند.

وی افزود: ساعاتی بعد از آن تلفنی به ما خبر دادند جسد پدرم را در حالی که چند روز از مرگش گذشته بوده، در اتاق‌نشیمن خانه‌اش پیدا کرده‌اند. به گفته دوست ایرانی‌مان خانه به‌هم ریخته و وسایل قیمتی، یورو و دلار متعلق به پدرم سرقت شده بود، همسایه‌های دیگر پدرم نیز تلفنی حرف‌های دوستمان را تایید کردند. گمان می‌کنیم پدرم به قتل رسیده و اموالش سرقت شده باشد.

به دلیل این‌که مرگ تاجر ایرانی مشکوک بود، با دستور بازپرس جنایی قرار شد که پلیس بین‌الملل و معاونت بین‌الملل قوه قضاییه با پلیس و دادستانی انگلستان در این‌باره مکاتباتی داشته باشند تا نتیجه تحقیقات پلیسی قضایی آن کشور برای روشن شدن مرگ تاجر ایرانی در اختیار پلیس ایران قرار گیرد و ابعاد این پرونده فاش شود.

معمای مرگ مرموز دختر جوان بعد از تزریق آمپول

پرونده مرگ مشکوک دختر جوان در حالی برای محاکمه به دادگاه ارسال شد که نامزد او منکر اتهام قتل شده و مدعی است تزریق آمپول باعث مرگ نامزدش شده است.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، تحقیقات پلیسی در این پرونده از دو سال قبل و با فوت مشکوک دختر جوانی به نام آزیتا آغاز شد. خواهر آزیتا در شکایت خود گفت: خواهرم در مطب پزشکی کار می‌کرد و با وجود این‌که خواستگار خوبی داشت با پسری به نام مهرداد نامزد کرد که ما مخالف این ازدواج بودیم. مهرداد با خواهرم بدرفتاری می‌کرد و چند بار متوجه کبودی بدن خواهرم شدم. روز حادثه مهرداد با من تماس گرفت و گفت؛ حال خواهرم خوب نیست. بعد از آن هم متوجه مرگ آزیتا شدیم. مهرداد را مقصر مرگ خواهرم می‌دانم.

این ادعا در حالی مطرح شد که پزشکی قانونی اعلام کرد، آثار سایدگی روی دست و زانوی آزیتا وجود دارد. همچنین در ادامه گزارش آمده بود، احتمال خفگی دختر جوان وجود دارد.

با این گزارش، مهرداد بازداشت شد. وی منکر قتل نامزدش شد و گفت: من عاشق آزیتا بودم و خانواده‌اش به خاطر این‌که مخالف ازدواج ما بودند، این شکایت را مطرح کرده‌اند. روز حادثه در حال تعمیر خانه آزیتا بودم تا در آنجا زندگی مشترک‌مان را آغاز کنیم. پاهای آزیتا درد می‌کرد و از دوستانش در مورد آن پرسید. او از داروخانه آمپولی گرفت و در خانه به خودش تزریق کرد. بعد از آن حالش بد شد و بیهوش روی زمین افتاد. با اورژانس تماس گرفتم اما نتوانستند برای نجات او کاری کنند.

این در حالی است که بررسی‌های پلیسی نشان داد، مهرداد پیش از این نامزدی داشت که به خاطر کتک‌های پسر جوان از هم جدا شده بودند.

مهرداد درباره این جدایی هم گفت: من و این دختر با هم اختلاف داشتیم و این باعث جدایی ما شد.

با تکمیل تحقیقات پرونده برای محاکمه به شعبه ۱۷ دادگاه کیفری استان تهران در شهریار ارسال شد که قضات این شعبه خواستار اعلام نظر قطعی پزشکی قانونی شدند. در این جلسه مهرداد منکر قتل شد و عنوان کرد: آثار روی بدن آزیتا می‌تواند به خاطر افتادن او موقع بیهوشی باشد. پزشکان هم اعلام کردند؛ به نظر می‌رسد ضربات واردشده به بدن آزیتا عمدی باشد. به دلیل داروی تزریق‌شده نمی‌توان در مورد علت دقیق مرگ اظهارنظر کرد.

به این ترتیب پرونده دوباره به دادگاه بازگشت تا به اتهام پسر جوان رسیدگی شود.

بررسی خواب مرد همسرکش برای رازگشایی از انگیزه قتل

مردی که مدعی بود برای از بین بردن اجنه مارنما، همسرش را کشته برای بررسی وضعیت خواب و سلامت روانش در بیمارستان بستری شد.

به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، مهرداد ۴۳ ساله نگهبان پارکینگ بود و ۱۷ سال قبل با همسرش ازدواج کرد که حاصل آن دختری هشت ماهه بود. او متهم است بامداد هفتم اردیبهشت امسال در خانه‌شان در شهرک احمدیه خانی‌آباد نو پایتخت، همسر جوانش را با ضربه‌های خنجر به قتل رسانده است. او زمانی که مقابل مصطفی واحدی، بازپرس دادسرای جنایی تهران قرار گرفت، ادعای عجیبی را مطرح کرد و گفت: ۱۰ روز قبل از مرگ همسرم، اجنه مارنما در محل کار به سراغم آمده و قصد جانم را داشتند که موفق نشدند. نیمه شب هفدهم اردیبهشت نیز با سر و صدا بیدار شده و دیدم اجنه مارنما سر و صورت همسرم را می‌خورند که با خنجر به آنها ضربه می‌زدم. وقتی به خود آمدم، متوجه قتل همسرم شدم. بعد با صحنه سازی دروغین خنجر را در بیابان دفن کرده و مدعی بوده سارقان حمله کرده و او را کشته‌اند.

در ادامه، پزشکی قانونی نظر داد او دارای اختلال روانی بوده و متهم یک ماه در مرکز روانی بستری و بعد به زندان منتقل شد. چند روز پیش قرار شد کارشناسان پزشکی بخش کلینیک خواب یکی از بیمارستان‌های تهران وضعیت خواب او را بررسی کنند. او یک شبانه روز در آنجا بستری شد و در ادامه پزشکان آنجا نظر دادند به احتمال زیاد او بیماری روانی دارد که نظر آنها را روانپزشک زندان تایید و اعلام کرد متهم به احتمال زیاد بیماری اسکیزوفرنی دارد. این در حالی بود که والدین مقتول با حضور در شعبه یازدهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران برای داماد خود درخواست قصاص کردند. آنها به بازپرس پرونده گفتند اگر مشخص شود او دیوانه است، می‌خواهند نوه شان از طریق بهزیستی تحویل یک خانواده بدون فرزند شود و تحویل داماد شان و خانواده اش نشود. در صورتی که مشخص شود او دیوانه نیست، خودشان می‌خواهند که نوه دختری‌شان را به سرپرستی بگیرند. بنابراین دیروز برای مشخص شدن وضعیت روانی مرد همسرکش، او دوباره به پزشکی قانونی معرفی شد.

کوتاه از حوادث

- خودروی لیفان با سه سرنشین در محور روستایی بیشه‌کلا، شهرستان محمودآباد داخل کانال آب افتاد و دو کشته داد. راننده و یکی از سرنشینان به علت خفگی در آب کانال فوت شدند و دیگری که مصدوم شده بود به کمك نیروهای امدادی نجات یافت.

- دو مرزبان هنگ مرزی سردشت در پایش نوار مرزی به شهادت رسیدند. این دو نفر که سرباز وظیفه مهدی ملکی اهل زنجان و شهید متین ساعدی اهل سنندج بودند در راستای ماموریت کنترل و پایش نوار مرزی سردشت به شهادت رسیدند.

- دو نفر از اعضای یك باند که برای یافتن گنج پنهان در چاه قدیمی داخل آن سقوط کرده بودند، فوت شدند. چند روز پیش ماموران انتظامی فراشبند در گزارش مردمی باخبر شدند افرادی در حال حفاری در چاه قدیمی «گبری» بوده و در صدد یافتن اشیای قیمتی و میراث فرهنگی هستند که به آنجا اعزام و شش نفر را در آن مکان که در اجرای نقشه‌شان ناکام مانده بودند، بازداشت کردند. متهمان گفتند که دو همدست‌شان نیز هنگام حفاری داخل چاه سقوط کرده‌اند که نیروهای امدادی برای یافتن آنها وارد چاه شدند و جسد دو قاچاقچی میراث فرهنگی را یافتند.

- آتش‌سوزی در مجتمع قضایی شهید تندگویان خرمکوشك اهواز مهار شد. پیش از ظهر شنبه یازدهم مرداد امسال، گزارش وقوع آتش‌سوزی در مجتمع قضایی شهید تندگویان خرمکوشك اهواز به آتش‌نشانی گزارش شد. امدادگران و آتش‌نشانان در محل حاضر شده و شعله‌های آتش را خاموش کردند. آتش‌نشانان توانستند یك خانم را که میان شعله‌های آتش و دود گرفتار شده بود، نجات دهند.

- ماموران پلیس راهور، پسر جوان را از خودکشی منصرف کردند. سرهنگ ابوالفضل موسوی‌پور، جانشین رئیس پلیس راهور درباره این خبر گفت: ساعت ۱۶ و ۱۰ دقیقه دهم مرداد، ماموران گشت انتظامی منطقه یك پلیس راهور تهران در حال گشت‌زنی و انجام ماموریت، متوجه شدند جوانی ۳۷ ساله درصدد اقدام به خودکشی است. ماموران پلیس راهور از رانندگانی که در این مسیر تردد می‌کردند، درخواست کردند به مسیر خود ادامه داده و توقف نکنند. به گفته این مقام قضایی، ماموران پلیس خود را سریع به محل رساندند و با ارائه خدمات مشاوره‌ای با بهره‌گیری از مهارت‌های عملیات روانی، مرد جوان را از خودکشی منصرف کردند. پسر جوان علت این اقدام خود را اختلافات خانوادگی عنوان کرد.

- عاملان تولید و باز نشر عکس‌هایی که در آن پرچم یکی از گروهک‌های تروریستی به نمایش گذاشته می‌شد بازداشت شدند. سردار علی ذوالقدری، رئیس پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ در این باره گفت: روز جمعه عکس‌هایی در فضای مجازی منتشر شد که در آن چند نفر در یکی از پارک‌های تهران پرچم یک گروهک تروریستی را به نمایش گذاشته بودند. بنابراین موضوع در دستور کار پلیس امنیت عمومی قرار گرفت. در پی این اقدام که موجبات سوء استفاده رسانه‌های معاند را در پی داشت، تحقیقات پلیس آغاز و عاملان اصلی تولید و بازنشر این تصاویر شناسایی و بازداشت شدند. تحقیقات از آنها ادامه دارد.

شرکت تعاونی مسکن ایثارگران فجر ورامین
آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول

از کلیه اعضاء محترم این شرکت تعاونی دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی فوق‌العاده نوبت اول که راس ساعت ۱۱ روز **پنجشنبه** مورخ **۹۹/۰۵/۳۰** در محل دفتر تعاونی تشکیل می‌شود، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:
۱ استماع گزارش مشترک هیات مدیره و بازرس در خصوص وضعیت فعلی تعاونی
۲ اتخاذ تصمیم در خصوص انحلال تعاونی

عبدالرضا بخشنده رئیس هیات مدیره